

شباهتی که بین اعضای یک خانواده وجود دارد جالب است. به عنوان مثال ما دو فرزند داریم، یک دختر و یک پسر، هر دوی آن‌ها مثل پدرشان چشمان قهوه‌ای درشتی دارند. پسر خانواده مانند پدرش موهای فرو و دختر خانواده مثل مادرش موهای صاف دارد. مردم می‌گویند آن‌ها خیلی به هم شبیه هستند و دقیقاً شبیه پدرشان نیز هستند.

البته این شباهت خانوادگی می‌تواند در نگرش و اعمال ما نیز دیده شود. اخیراً از پسر کوچکمان ناراحت شدیم چون بجای اینکه لباسش را بپوشد، داشت کتاب می‌خواند. اما بعد به یاد دوران کودکی خودمان افتادیم که چند بار والدینمان به خاطر همین کار از دست ما عصبانی شدند. ما هم کتاب خواندن را دوست داشتیم و گاهی زمان مناسبی را برای مطالعه در نظر نمی‌گرفتیم.

شباهت خانوادگی روحانی هم وجود دارد. همین موضوع را عیسی به فریسیانی گفت که تصور می‌کردند بسیار پاک و نیکو هستند. «شما به پدرتان ابلیس تعلق دارید و در پی انجام خواسته‌های اوید. او از آغاز قاتل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هرگاه دروغ می‌گویید، از ذات خود می‌گویید؛ چرا که دروغگو و پدر همه دروغ‌هاست» (یوحنا ۸: ۴۴). اگر ایمانداران مسیحی به راستی فرزندان خدا باشند، پس در ذات، نگرش و کردارشان شباهت‌های خانوادگی، آشکار خواهد شد.

سرفصل‌ها

A. خدا دارای شخصیت است

B. خدا محبت است

C. خدا عادل است

اهداف این درس

۱. شخصیت خدا را توصیف کنید

۲. توضیح دهید عیسی چگونه شخصیت خدا را نشان می‌دهد

۳. با تعریف معنای فیض و رحم، توضیح دهید محبت خدا چه تفاوتی با محبت انسانی دارد

۴. توضیح دهید چگونه عدالت خدا در نگرش و اعمال او ظاهر می‌شود

A. خدا دارای شخصیت است

معنای شخصیت خدا

هدف اول: شخصیت خدا را توصیف کنید

خدا یک شخص است. اما شکل و ظاهر بشری و انسان‌گونه ندارد زیرا که انسان نیست. خدا تنها یک قدرت در رأس امور هستی نیز نیست. مسلماً هستی با قدرت او به وجود آمد، اما خدا فراتر از یک قدرت و نیروی صرف است. او فکر، هدف، هوش، و احساسات، دارد. خدا می‌اندیشد، پاسخ می‌دهد، و بسیار فراتر از انسانی است که به شباهت خود خلق کرده است. بیان این مطلب که خدا یک شخص است تا حدودی توهین‌آمیز به نظر می‌رسد. اما این بهترین توصیفی است که می‌توان از او ارائه داد. تمام آن خصوصیت‌هایی که به او نسبت داده

می‌شوند، شخصیت او را شکل می‌دهند. خدا عظیم است و شخصیت او فراتر از درک ماست. با این وجود او خواست که شخصیتش را بر ما آشکار سازد تا بتوانیم به شباهت او درآییم و او را سرمشق قرار دهیم. هستی و جهانی که خدا خلق کرده است نمایانگر قدرت و خرد بی‌انتهای اوست. پولس چنین می‌نویسد:

«زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرتِ سرمدی و الوهیت او را می‌توان با ادراک از امور جهانِ مخلوق، به‌روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست» (رومیان ۱: ۲۰).

آنان حقیقتِ خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت نمودند (رومیان ۱: ۲۱-۲۵). بسیاری از ادیان تعلیم می‌دهند که یک خالق وجود دارد و آن خداست، اما درک درستی از شخصیت او ندارند. خودِ خدا می‌بایست آن را به طریقی مخصوص آشکار سازد.

ابتدا، خدا خود را در تاریخ به اشخاصی که خود انتخاب کرده بود آشکار ساخت. اشخاصی چون ابراهیم، موسی، سموئیل و اشعیا درک خاصی از شخصیت و ذات خدا دریافت کردند. قوم اسرائیل انتخاب شده بودند تا روش‌های خدا را به نمایش بگذارند. عهدعتیق ثبت‌کننده وقایعی است که در آن‌ها، شناختی از خدا به این روش‌ها، به دنیا ارائه شده است. با وجود اینکه عهدعتیق به طور کامل شخصیت خدا را توصیف می‌کند، بسیاری از انسانها هنوز خدا را نمی‌شناسند.

همچنین خدا از طریق فرستادن پسرش، عیسی مسیح، و زندگی کردن او در بین انسانها، شخصیت خود را بر آن‌ها آشکار ساخت.

«درگذشته، خدا بارها و از راه‌های گوناگون به واسطه پیامبران با پدران ما سخن گفت، اما در این ایام آخر به واسطه پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطه او جهان را آفرید. او فروغِ جلالِ خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه

چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست» (عبرانیان ۱: ۱-۳).

پرسش‌های کاربردی

۱. کدام یک از خصوصیات زیر شخصیت خدا را نشان می‌دهد؟

(a) خدا تنها یک نیرو در طبیعت است.

(b) خدا حکیم و هوشمند است.

(c) خدا ظالم است.

(d) خدا قادر مطلق است.

۲. سه منبعی که از طریق آن می‌توانید به شخصیت خدا پی ببرید را ذکر کنید. اگرچه ممکن است کلماتی که به کار می‌برید مشابه کلمات مورد استفاده ما نباشد، اما مقصود و منظور بایستی یکسان باشد.

..... (a)

..... (b)

..... (c)

نشان دادن شخصیت خدا

هدف دوم: توضیح دهید عیسی چگونه شخصیت خدا را نشان می‌دهد

مکاشفه شدن شخصیت خدا در عیسی مسیح در اناجیل عهدجدید، به‌هیچ‌وجه با مکاشفه خدا در عهدعتیق تناقضی ندارد. عیسی با زندگی و عملی کردن ذات، عواطف و اعمال خدا به شیوه‌ای که برای انسانها قابل درک باشد، خدا را به ما نشان داد. انجیل یوحنا عیسی را «کلام» یا مکاشفه می‌نامد و راجع به او چنین می‌نویسد:

«و کلام، انسان شد و در میان ما مسکن گزید. ما بر جلال او نگرستیم، جلالی شایسته آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی» (یوحنا ۱: ۱۴).

از آنجا که عیسی پسر خداست، قادر بود که خدا را به ما معرفی کند و شخصیت او را در نگرش و اعمال خود به ظهور برساند. یوحنا می‌نویسد: «هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است. اما آن پسر یگانه که در آغوش پدر است، همان او را شناسانید» (یوحنا ۱: ۱۸).

عیسی مکاشفه خدا را تکمیل کرد. او شخصیت خدا را به همه معرفی کرد. به علاوه، با مرگ و رستاخیز خود به همه این حق را داد تا فرزندان خدا شوند. با قوت روح او، فرزندان خدا در مسیر تبدیل شدن هستند تا به شباهت خدا درآیند. پولس می‌گوید:

«و همه ما که با چهره بی‌نقاب، جلال خداوند را، چنانکه در آینه‌ای، می‌نگریم، به صورت همان تصویر، از جلال به جلالی فروتر دگرگون می‌شویم؛ و این از خداوند سرچشمه می‌گیرد که روح است» (دوم قرنتیان ۳: ۱۸).

جلال کلمه‌ای است در کتاب مقدس که توصیف کننده حضور عجیب خداست. عیسی، پسر خدا، این جلال را منعکس کرد (یوحنا ۱: ۱۴) را بخوانید). او خدا را در این جهان تاریک نشان داد. هر چه بیشتر به شباهت خدا درآید، شما نیز جلال او را آشکار خواهید ساخت.

جلال در برگرفته تمام خصوصیات خداست. آن خصوصیتی که یوحنا بیش از سایر خصوصیات از جلال عیسی درک کرده بود، فیض و راستی است. فیض یادآور نیکویی خداست و به واسطه آن محبت می‌کند. راستی یادآور قدوسیت و عدالت اوست. این دو صفت مهم در شخصیت خدا بر موضوع اخلاق تأثیر می‌گذارد. نگرش و اعمال خدا از محبت و عدالت او نشأت می‌گیرد.

پرسش‌های کاربردی

۳. دوم قرن‌تیاں ۱۸:۳ را حفظ کنید. آیا مفهوم این آیه باعث تشویق شما نمی‌شود؟

۴. دعا کنید و ببینید چطور می‌توانید با خداوند همکاری کنید تا شما را تغییر دهد. می‌توانید از اینجا شروع کنید و حین مطالعه ادامه این درس، از او بخواهید به شما نشان دهد در چه قسمت‌هایی شخصیت خدا و جلال او را منعکس نمی‌سازید.

B. خدا محبت است

هدف سوم: با تعریف معنای فیض و رحمت، توضیح دهید محبت خدا چه تفاوتی با محبت انسانی دارد

پس از ایماندار شدن، درک این موضوع یکی از دشوارترین کارها برای ما به شمار می‌آید که چقدر خدا ما را دوست داشت که اجازه داد فرزند یگانه‌اش جان خود را برایمان فدا سازد. ما به چنین محبتی عادت نداریم. اغلب مواقع محبتی که در دنیا شاهد هستیم محبتی خودخواهانه است. محبت خدا بسیار فراتر از محبت انسان است. او همواره بهترین را برای ما می‌خواهد. حتی هنگامی که دوستش نداریم، بی‌نیاهیت دوستمان دارد. او جهان را دوست دارد حتی زمانی که جهان او را رد می‌کند. همان‌طور که در اول قرن‌تیاں ۴:۱۳-۷ می‌خوانیم، این نوع محبت، فعال است و خود را در نگرش و عمل نشان می‌دهد. در کتاب مقدس، نگرش سرشار از محبت خدا، فیض و رحمت نامیده می‌شود.

فیض، محبتی است که خواهان بهترین‌ها برای دیگران است. فیض صبر نمی‌کند تا شخص مقابل به اندازه کافی خوب شود تا شایسته

محبت باشد و یا قادر به جبران آن باشد. فیض، نگرشی برخاسته از شفقت و دلسوزی است که در آن خودخواهی جایی ندارد. پطرس از «خدای همه فیض‌ها که شما را به جلال ابدی خود در مسیح فراخوانده است» می‌نویسد (اول پطرس ۵:۱۰). فیض خدا را از اینجا می‌بینیم که او بهترین را برای ما می‌خواهد، حتی زمانی که گناهکار هستیم. اما لازم بود که محبت او جامه عمل بپوشد تا بتواند ما را از گناهانمان رهایی بخشد. یک شخص زمانی رحمت نشان می‌دهد که برای فردی که شایسته نیست، کاری انجام دهد. آیا داستان سامری نیکو را در لوقا ۱۰:۳۰-۳۷ به یاد می‌آورید؟ او نیاز دشمن خود را دید، دلش بر وی بسوخت و او را یاری رساند.

خدا فیض و رحمت خود را بر ما نمایان ساخته است، او بدون هیچ قید و شرطی به ما عشق می‌ورزد. بهترین‌ها را برای ما می‌خواهد و راه نجاتی برای ما مهیا ساخته است که ما شایستگی آن را نداشتیم.

«هنگامی که ما هنوز ناتوان بودیم، مسیح در زمان مناسب به‌خاطر بی‌دینان جان داد. حال آنکه به‌ندرت ممکن است کسی به‌خاطر انسانی پارسا از جان خود بگذرد، هر چند ممکن است کسی را این شهامت باشد که جان خود را برای انسانی نیک بدهد. اما خدا محبت خود را به ما این‌گونه ثابت کرد که ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد» (رومیان ۵:۶-۸).

محبت خدا خودخواهانه نیست و با تلاش خود نمی‌توان آن را به دست آورد. او از ما می‌خواهد که منعکس‌کننده جلال و نیکویی او باشیم. این بدان معناست که خدا از ما انتظار دارد مثل او محبت کنیم و فیض و رحمت از خود نشان دهیم.

پرسش‌های کاربردی

۵. ببینید عیسی در لوقا ۶:۲۷-۳۶ در رابطه با محبت کردن چه می‌گوید.

و قسمت‌های داده شده در ذیل را در دفترچه خود، یادداشت کنید.
 در کنار هر آیه یک روش برای عملی کردن همان آیه بنویسید.
 آیه ۲۷- دشمنان خود را محبت کنید و به کسانی که از شما نفرت دارند نیکی کنید.
 آیه ۳۶- رحیم باشید همان‌طور که پدر شما رحیم است.

C. خدا عادل است

هدف چهارم: توضیح دهید چگونه عدالت خدا در نگرش و اعمال او ظاهر می‌شود.

در اداره بین‌المللی اوزان و مقیاس‌ها در سورس فرانسه، یک نوار ۱ متری از جنس نوعی فلز خاص وجود دارد که استاندارد کاملی است و باقی اندازه‌ها توسط آن اندازه‌گیری می‌شوند. اکثر کشورها یک کپی از این نوار را در اختیار دارند.

همان‌طور که این نوار، مقیاسی ایده‌آل برای اندازه‌گیری ریاضی است، خدا نیز بهترین معیار ایده‌آل است. هر آنچه او بیان می‌کند و انجام می‌دهد، راست است و این همان تعریفی است که درباره عدالت خدا ارائه می‌دهیم. او تغییر، و خطا نمی‌کند، زیرا این خصوصیات، بر خلاف ذات او خواهد بود. هیچ چیز نمی‌تواند او را به اندازه انجام عدالت، توسط افرادی که می‌بایست شبیه او شوند، خشنود سازد. از آنجا که او منصف و حقیقت است، باید خلقت خود را داوری کند.

هنگامی که خدا کار خلقت خود را به اتمام رساند، از دیدن تمام آفرینش، بسیار خشنود گشت (پیدایش ۱: ۳۱). اما انسان گناه کرد. پولس صراحتاً به ما می‌گوید: «همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا کوتاه می‌آیند» (رومیان ۳: ۲۳). خدا در عدالت خود تحمل گناه بشر را ندارد، پس راهی پیش پای انسانها گذاشت تا دوباره عادل شمرده شود و آن راه، پسرش

عیسی است.

داستانی وجود دارد از یک قاضی که همیشه به دنبال راستی و عدالت بود. روزی پسرش را به علت جرمی که مرتکب شده بود نزد وی آوردند. پسر، خطای خود را اعتراف کرد، پدر با اشک حکم محکومیت پسرش را صادر نمود. عدالت خواهان مجازات بود. سپس قاضی از جای خود برخاست ردای قضاوت را از تن بیرون کرده، به سمت پایین جایی که پسرش ایستاده بود قدم برداشت و به نگهبانان گفت: «من بجای پسر مجازات زندان را تحمل خواهم کرد.»

به عنوان فرزند خدا، همچون انسانهای بی خدا محکوم نیستید. عیسی به جای شما محکوم شد و عدالت خدا را به جا آورد. اکنون عدالت خدا، شما را آزاد کرده است. به همین دلیل، بایستی با قوت روح القدس، راست و پارسا باشید.

وقتی درک می کنیم که محبت و عدالت خدا، هر دو جزئی از ذات او می باشد، متوجه خواهیم شد که این نگرش ها چگونه کار خدا را برای ما، تحت تأثیر قرار می دهد. همچنین متوجه می شویم خدا از ما انتظار دارد چگونه فکر، احساس و عمل کنیم و در نتیجه بیشتر شبیه او شویم. «ای مرد، او تو را از آنچه نیکوست آگاه ساخته است؛ و خداوند از تو چه می طلبد، جز آنکه انصاف را به جای آری و محبت را دوست بداری، و با فروتنی در حضور خدایت سلوک کنی؟» (میکاه ۸:۶).

پیش‌نمایش‌های کاربردی

۶. میکاه ۸:۶ را در دفتر یادداشت خود نوشته، حفظ کنید.

۷. افسسیان ۸:۵-۱۰ را مطالعه کنید و سپس در دفتر یادداشت خود لیستی از کارهایی که خدا از شما انتظار دارد که به عنوان فرزندش به انجام رسانید را تهیه کنید.

۸. وقتی می‌گوییم خدا عادل است منظور ما این است که.....

(a) می‌توان او را سنجید.

(b) او خطا نمی‌کند.

(c) او چنان قدوس است که نمی‌تواند به ما گوش سپارد.

۹. عادل بودن خدا می‌تواند چه تأثیری بر نگرش و اعمال شما داشته باشد؟

پاسخ پرسش‌های کاربردی

۱. عبارات (b) و (d) درست هستند.
۶. پاسخ شما
۲. (a) شخصیت خدا از طریق خلقت او می‌تواند شناخته شود.
- (b) شخصیت خدا می‌تواند از طریق انسانهایی که در عهدعتیق با ایشان سخن گفته است شناخته شود.
- (c) شخصیت خدا می‌تواند از طریق عیسی مسیح شناخته شود.
۷. پاسخ شما
۳. پاسخ شما
۸. (b) او خطا نمی‌کند.
۴. پاسخ شما
۹. پاسخ شما ممکن است با پاسخ ما متفاوت باشد، اما در اینجا تعدادی جمله به‌عنوان نمونه آورده شده است. او می‌تواند به شما کمک کند که خطا نکرده، نگرشی بهتر و محبتی پایدار داشته باشید و با او در رابطه‌ای نزدیک و صمیمی باشید.
۵. پاسخ شما